

کارنامه سیاسی و روشنفکری افراسیاب آزاد (نویسنده و فعال سیاسی عصر مشروطه و پهلوی)

فرهاد نام برادرشاد

چکیده:


ورود اندیشه تجدد به ایران در قرن نوزدهم میلادی و همزمان با جنگ‌های ایران و روسیه تزاری بود. شکست‌های نظامی و فهم عقب‌ماندگی کشور، ذهنیت ایرانی را به سمت دریافت و ایجاد بارقه‌های تغییر و تحول و نوگرایی سیاسی و اجتماعی سوق داد. فارغ‌التحصیلان ایرانی در غرب در زمان بازگشت به ایران این رویه فکری نوگرایی را توسعه دادند. روشنفکران ایرانی به منظور دستیابی به ترقی و نوسازی به انگاره‌های تجدد غربی دل بستند و حتی برخی برای همسوسازی آن با اسلام تلاش کردند. ناکامی‌ها و آشفتگی‌های پس از استقرار مشروطه تا پهلوی موجب خوانش جدیدی از تجددخواهی - که این مطالعه آن را تجددخواهی تقلیل‌گرا می‌نامد - گردید. شناخت‌شناسی اصلاحات و تشریح این خوانش جدید از اندیشه تجدد به تحقق پیش‌شرطی مهم متوقف است و آن شناخت مردان و صاحب‌نظران این اندیشه از جمله افراسیاب آزاد، متفکر و نویسنده این دوره از تاریخ ایران مربوط است. این پژوهش با رویکرد اندیشه‌نگر و روش پژوهش توصیفی - کتابخانه‌ای و تحلیل محتوای متون، به بازخوانی نیت‌مند اسناد، روزنامه و نوشته‌های افراسیاب آزاد می‌پردازد. اندیشه‌های آزادی، ملی‌گرایی، قانون‌خواهی و روشنفکری دینی ایشان مورد مطالعه و همراهی این اندیشه برای استقرار دولت قوی که منجر به گسترش پذیرش گفتمان ناسیونالیسم اقتدارگرای پهلوی اول گردید، مورد سنجش قرار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها

افراسیاب آزاد، تجددخواهی، ناسیونالیسم اقتدارگرا، روشنفکری دینی، قانون‌طلبی

آرشیو ملی، سال ششم، شماره سوم و چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۹۹، شماره پیاپی ۲۳ و ۲۴؛

صص: ۲۲۰-۲۳۳



کارنامه سیاسی و روشنفکری افراسیاب آزاد (نویسنده و فعال سیاسی عصر مشروطه و پهلوی)

فرهاد نام برادرشاد^۱

مقدمه:

در دوره‌های اخیر، پژوهش در حوزه تاریخ معاصر در بین محققان علوم انسانی و بالاخص محققان تاریخ اهمیت و جذابیت مضاعفی یافته است. پیوستگی و نزدیکی زمانی دوره مربوطه به عصر حاضر و تغییر و تحول در مفاهیم و ارزش‌های سنتی چالش‌های مختلفی را در لایه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی جامعه ایجاد کرد. بسیاری از مفاهیم، مفسران و خالقان مفاهیم مورد ارزیابی پژوهشگران قرار گرفته‌اند. هر ارزیابی جدید جلوه نوینی از بافتار تاریخی را نمایان کرده است. اما هر روزه تحقیقات دامنه‌های جدید و رهیافت‌های نوی را در مطالعه و بازسازی و توصیف رخدادها کشف می‌کنند. یکی از شواهد تاریخی برای بازسازی و بازآفرینی این دوره، اسناد مختلف و نشریات ادواری و مطالعه نوشتارهای مختلف روشنفکران و آگاهان به عصر می‌باشد. کار با اسناد از سویی جذابیت ارتباط مستقیم با شواهد همزمان رخدادها را دارد و از دیگر سو به‌سختی به سخن در می‌آیند. مرارت‌های مربوط به خوانش خط و علائم و مهر و آرایه‌های ادبی اسناد خود بر این سختی افزوده است. نشریات به دلیل گذر از چارچوب‌ها و گفتمان‌های زمانه، همیشه اهداف مشخص خود را روشن بیان نمی‌کردند. شناخت زمینه‌های فکری و اندیشه‌ای این دوره، در همراهی و به سخن درآوردن این شواهد است که دریچه‌های نوینی برای دریافت مطلوب‌تر و توصیفی همزمان‌تر با رویدادها به سوی محققان باز کرده است.

مروری بر گزارش مختصر رخدادهای سیاسی ایران در فاصله سال‌های ۱۳۰۰ ق. تا سقوط قاجار و نیز شرایط به قدرت رسیدن پهلوی اول نکات مهم و در خور توجهی را معلوم می‌سازد.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ انقلاب.
کارشناس سازمان اسناد و کتابخانه
ایران. farhad.1363@gmail.com



نخست اینکه اولویت‌های اصلاحات و ترقی کشور برای گروه‌های مختلف سیاسی با بیش‌های مختلف تغییر کرد و گروه‌بندی‌ها و گرایش‌های سیاسی دستخوش تغییرات مهمی گردید. اداره امور جامعه توسط دیوان‌سالاری قدیمی چندان به مذاق انقلابی‌ها و وطن‌خواهان آن عصر خوش نیامد و اندک اندک نزاع جدیدی پا گرفت؛ از یک سو عناصر قدیمی دیوان‌سالاری قرار داشتند که مراتب عالی‌ه کشور را تقریباً به صورت موروثی به خود اختصاص داده بودند و از سوی دیگر نیروهای جوان برآمده از دل انقلاب مشروطیت قرار داشتند. آن‌ها از وضعیت موجود و بی‌سامان ناخرسند و نگران بودند و ریشه مشکلات را در چرخه معیوب حکومت‌گری و حکومتگران نامتجانس با نظام جدید و اشرافیت کهنه‌ای می‌دانستند که بر نظام سیاسی و ساختار اجتماعی و اقتصادی کشور چنگ انداخته بودند. از اینرو خواهان ایجاد دگرگونی عمیق، همه‌جانبه و شتابان بودند. اینان مجموعه‌ای از عقاید تجددخواهانه، ناسیونالیستی و رادیکالیستی را چون آتش فشانی در سر داشتند و برای بر هم زدن بساط کهن به هر دری می‌زدند.

تغییرخواهی، نوجویی و تحول‌گرایی در همه اشکال ساده و ابتدایی تا عمیق و انقلابی، روح این دوران را تشکیل می‌داد. بی‌گمان افراسیاب آزاد مظهر تام و تمامی از این نسل نوجو، نوپا و تحول‌خواه این دوران بود. وی که در دوران و در بحبوحه جریان مشروطه و استبداد صغیر در سنین جوانی بود در پی تشدید بحران‌های سیاسی و ناکامی‌های که طی سالیان مشروطه و پس از آن پدیدار گشت زمینه غلبه نگرش‌های افراطی و رادیکالیستی و آرمانی در رابطه با نوسازی ایران و پروژه هویت‌سازی ملت در وی ایجاد گشت و به جرگه افراد خواهان تحول در کشور پیوست. البته این نوع تحول و گروه‌بندی سیاسی در بین اعضای مجلس شورای ملی طی دوره های سوم تا پنجم به خوبی دیده می‌شود. افراسیاب آزاد در ابتدا به مخالفت با قراردادهای مختلف تحمیل شده بر دولت و ملت ایران از جمله قرارداد ۱۹۱۹ م. برخاست و به تدریج به همراه بسیاری از تجددخواهان این دوره از فعالان سیاسی گردید. وی به علت تحصیل در رشته حقوق و اشتغال به وکالت در بسیاری از موارد توانست دفاع تام و تمامی از خود و همفکران خویش در زمان گرفتاری و دستگیری از سوی عوامل حکومت وقت، انجام دهد. اگر چه کتاب‌ها، مجلات و حتی نشریات به تشریح از فعالیت‌های سیاسی و حزبی مورد بحث سخن به میان آورده و نویسندگانی صاحب نام در این زمینه قلم زده‌اند؛ با این وجود شخصیت و کارنامه سیاسی اجتماعی افراسیاب آزاد در کتب مورخان دوره معاصر ایران تقریباً خاموش و نویسندگان از پرداختن به فعالیت‌های مختلف وی امتناع نموده‌اند. در زمینه نویسندگی فرد مذکور در آثار متفاوتی در رابطه با مقالات و مطالب ارائه شده در روزنامه‌های مختلف آن دوره مطالبی هرچند مختصر و تلگرافی وجود دارد از جمله کتاب اثر آفرینان به همت بخش پژوهش انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و یا در مقاله *بلوای نان* در دسامبر ۱۹۴۲ / آذر ۱۳۲۱ در تهران نوشته استیفن ل. مک فارلند و ترجمه دکتر نادر میرسعیدی و در



تجدد و دین‌زدایی اثر محمد مددپور - فصل‌نمایشنامه‌های غرب‌زده - در رابطه با شرایط این هنر در دوره پهلوی اول و نقش با اهمیت افراسیاب آزاد به عنوان یکی از آغازگران نمایش مطالبی را ذکر کرده است.

لازم به توضیح است که اسناد افراسیاب آزاد در قالب حدود هزار پرونده آرشیوی اسناد خریداری در سازمان اسناد و کتابخانه ملی - از آقای شاه‌محمدی و خانم عذرا هاشمی‌سنجانی - و نشریات وی در بخش نشریات کتابخانه موجودند. تعداد هرچند معدودی از اسناد منتسب به افراسیاب آزاد در مرکز اسناد و کتابخانه مجلس شورای اسلامی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی موجود و فهرست‌نویسی اولیه شده‌اند.

طرح مسئله:

آنچه هم اکنون در میان مورخان و اهل نظر تاریخ معاصر ایران مورد بحث می‌باشد، شناخت راهبرد اساسی تحقق اصلاحات در ایران عصر مشروطه و پس از آن است. بررسی شواهد تاریخی بیانگر آن است که بیشتر روشنفکران، نخبه‌گرایی را راهبرد اساسی اجرای اصلاحات در ایران این دوره تشخیص داده بودند. گرچه توافق بر سر این موضوع به اندازه پذیرش تفوق الگوی فرنگی ترقی ایران نبود، بررسی‌ها حاکی از آن است که گروه کثیری از روشنفکران دوره پس از جنگ اول جهانی در این باره هم رای بودند. دست کم، از نظر این گروه ایرانیان برای رسیدن به سر منزل مقصود، نیازمند مردانی نو و دولتی نو بودند. شناخت‌شناسی اصلاحات این دوره از ایران به تحقق پیش شرطی مهم متوقف است و آن شناخت مردان و صاحب‌نظران مسئله مربوطه می‌باشد که می‌تواند به روشن شدن ابهامات این برهه از تاریخ مه‌آلود ایران کمک شایانی کند.

شناخت نمونه‌ای از زمینه‌های فکری، فعالیت‌های سیاسی و حزبی افراسیاب آزاد و همفکرانش و نقش پررنگ مطبوعات به عنوان رسانه برتر دوره نوجویی و ترقی‌خواهی می‌تواند اهمیت چنین پژوهش‌هایی را روشن کند که با گسترش چنین زمینه‌هایی بستر لازم برای عروج این طرز تلقی از اصلاحات و اداره امور کشور و ساختن ایران نو، به قدرت‌گیری رضاخان و تغییر سلسله حکومت‌گر کمک کرد. توصیف مستند کوشش‌هایی که در راستای تغییر نظام سیاسی و ایجاد جمهوری و یا تغییر سلطنت و نوسان در شدت همراهی فکری از سوی بعضی هم‌کیش‌ها هدف این پژوهش است که جلوه‌ای از خواست افرادی چون افراسیاب آزاد بود که این بستر را وسیله‌ای برای تقویت همگرایی ملی و کاشتن بذر ترقی‌خواهی می‌پنداشتند. فایده چنین تحقیقاتی را می‌توان در شناخت الگویی از افرادی که در شرایط و زمان‌های خاص تاریخی و در بن‌بست‌های تئوریک بعضاً دچار افتراق فکری شده و به احزاب مجاور و حتی مخالف، موافق و همراه می‌گردید. با این اولویت که این شخصیت هیچ‌وقت به صورت استنادی مورد کاوش مورخانه قرار نگرفته است.



۱. زندگی و شخصیت سیاسی افراسیاب آزاد:

افراسیاب آزاد، فعال سیاسی، وکیل دعاوی، روزنامه‌نگار و شاعر، نماینده‌نامه‌نویس و البته در برهه‌ای از عمر خود کار به دست دولتی در دستگاه پهلوی بود. سال تولد وی چندان مشخص نیست، ولی در یکی از اشعارش که مربوط به واقعه انقلاب شاه و مردم (۱۳۴۱ ش.) است، سن وی را بیش از هفتاد سال بیان می‌شود (ساکما، ۱۳۳۸/۹۹۹). بر این اساس، تحقیقاً می‌توان سال‌های ۱۲۷۰ تا ۱۲۷۱ ش. را زمان تولد ایشان معرفی کرد. پس از این زمان، اولین ردی که از وی در تاریخ مشاهده شده است مربوط به ۱۸ شهریور ۱۲۹۸ می‌باشد که در جریان اعتراضات به قرارداد ایران و انگلستان، مشهور به ۱۹۱۹م. در دوره نخست‌وزیری وثوق‌الدوله، افراسیاب آزاد به همراه حاج حسین امین‌الضرب، ضیاء‌الواعظین، فرخی یزدی، میرزاده عشقی و جمعی دیگر به علت مخالفت با قرارداد ۱۹۱۹م. زندانی شدند. در این دوران در کنار وکالت دعاوی، برای نشریات مختلف مطالب و مقالاتی می‌نوشت. در روز شنبه دوم جمادی‌الاولی سال ۱۳۰۳ ش. اولین شماره از نشریه خود با عنوان نامه آزاد را - در ساختمان موسسه آزادی - منتشر کرد که به صورت هفته‌نامه در دسترس مردم قرار می‌گرفت و مرام‌نامه خود و همفکرانش را در آن شرح داد (نامه آزاد، ۱۳۰۳، شماره اول، ص ۱). مرام‌نامه نشریه، نامه آزاد در شماره نخستین چنین توصیف شده است: ۱. تحلیل سیاست روز که سعی داشت اوضاعی جهان و ایران را توصیف کند و اگر انحرافی در حکومت‌داری ببیند، بدون در نظر گرفتن موقعیت به آن بپردازد. افراسیاب آزاد خود را حامی یا وابسته به هیچ دسته و حزبی نمی‌دانست. ۲. بخش علوم و فنون، که مقالات علمی در حوزه اقتصاد ارائه یا ترجمه می‌کرد. موسسه آزادی هر شب در محل ساختمان موسسه برای عموم افراد سخنرانی در باب علوم روز انجام می‌داد و حتی کلاس‌های مختلفی برای تعلیمات عمومی مردم دایر می‌کرد ۳. دو قسمت اجرای قوانین و تنقید آن و مشروح مذاکرات مجلس ملی بخصوص از این منظر که افراسیاب آزاد وکیل دعاوی و به حقوق و قضا آشنایی کاملی داشت، اهمیت زیادی دارد. ندای قانون‌طلبی و آزادی در این بخش رساتر و انتقاد به برخی قوانین، محققان را به این حوزه مطالعات تاریخی آشناتر می‌کرد. طرفه آن که آزاد خود سعی می‌کرد برخی از قوانین که عامه فهم نبودند، تفسیر و تشریح کند. در حقیقت، یکی از آمال این نشریه به اذعان خود مؤلفانش همین بود (نامه آزاد، سال اول، شماره اول، ص ۳). مدیریت مجلس، برنامه‌ریزی و شناخت برخی اقوال نمایندگان مجلس و شخصیت‌های مورد بحث از محاسن این بخش از نشریه است. ۴. بخش دینی و مذهبی که معمولاً مفصل بود و عقاید برخی علما ارائه یا به اسرار روحانی و قرآنی می‌پرداخت. افراسیاب آزاد به نوعی روشنفکری دینی اعتقاد داشت و ارتباط تنگاتنگی را با علما در سراسر طول حیات خود حفظ کرده بود. ۵. بخش معاونت قانونی که ادعا می‌کند با کمک تعدادی از همفکران و روشنفکران که دغدغه حقوق و قانون را دارند، خود را مؤظف در حفظ حدود و حقوق اعضای



موسسه آزادی می‌دیدند. حتی اعلام شده بود پرونده‌های قضایی مشترکان یا حتی دیگران در سراسر کشور را به طور رایگان پیگیری قضایی می‌کنند (نامه آزاد، ۱۳۰۳ ش.۰).

ابتنای این مطالعه عموماً بر مفاهیم و مقالات این نشریه در کنار دیگر نوشتجات وی صورت پذیرفته است. متأسفانه نشریه در دوره حکومت پهلوی اول یا نشر پیدا نکرده است یا تا به اکنون یافت نشده‌اند. با سقوط پهلوی اول و ایجاد فضای باز سیاسی دهه بیست شمسی، شماره‌های مختلف نامه آزاد منتشر گردید و در این شماره‌ها خبر از تأسیس حزب خدا می‌دهد، که توسط آزاد و همفکرانش در دو نشریه دیگر، برای رساتر کردن صدای نشریه و افکارشان ایجاد گردید (ساکما، ۹۹۹/۳۸۱۳). ناگفته نماند که آزاد در دوره‌های مختلف به دلیل حضور در برخی تجمعات، دستگیر و روانه زندان گردید یا حتی از سوی کمیته انتقام تهدید به قتل گردید (ساکما، ۹۹۹/۳۲۵۷۱). در بلوا و قحطی نان بعد جنگ جهانی دوم و حضور متفقین در تهران و کشور «افراسیاب آزاد سردبیر روزنامه نامه آزاد برای جمعیت سخنرانی کرد و خواستار استعفاى قوام شد» (مکفارلند، ۱۳۸۳ ص، ۲۰). از جمله در طی یکی از این دستگیری‌ها، میرزاده عشقی، از فعالین سیاسی و دوستان وی برای رهایی وی تلاش‌های متعددی کرده است (۹۹۹/۳۲۲۷۳). در نوشتجات به‌جا مانده از وی، خود را حامی شاه جوان (محمدرضا پهلوی) معرفی می‌کند و در دستگاه وی به ریاست اداره اوقاف و معارف اشرف می‌رسد. با تحلیل محتوای شماره‌های مختلف نشریه نامه آزاد، اشعار و نوشتجات وی و همفکرانش می‌توان دریافت مهمترین رئوس مورد ادعای ایشان مصالح و منافع کشور و لزوم اتحاد بوده است و به عنوان یک مصلح اجتماعی ظهور و بروز دارد. پس از واقعه اصلاحات ارضی اعلامی از سوی دستگاه حاکمه در دهه چهل شمسی، وی در شهرستان‌های گرمسار و سمنان بنگاه فلاحتی (ساکماق ۱۳۰۹۴) را تأسیس می‌کند و اعمال خیرخواهانه از جمله ایجاد قرائت‌خانه از وی به ثبت رسیده است. تاریخ مرگ افراسیاب آزاد دقیقاً روشن نیست. آخرین نوشته‌ها و اثری از نام وی مربوط به دهه پنجاه شمسی می‌باشد. به نظر می‌رسد پیش از انقلاب اسلامی دار فانی را وداع گفته باشد. در ادامه آرا و اندیشه آزاد در قالب عناوین پربسامد در نشریه و نوشتجات وی مورد بررسی و کاوش قرار می‌گیرد.

الف) ناسیونالیسم اقتدارگرا:

یکی از مؤلفه‌های اصلی تجددخواهی آزاد، هویت‌یابی از طریق آرمان باستان‌گرایی - به عقیده‌ای باستان‌ستایی - و ملی‌گرایی بود. باستان‌گرایی و ناسیونالیسم باستان‌گرا زاینده شرق‌شناسی و ایران‌شناسی و القای قوم‌نگاری رایج در غرب بود که به اقتضای خاص اروپا، پس از انقلاب فرانسه و فتوحات ناپلئون تکوین یافت (اوحدی و رجبعلی، ۱۳۹۴، ص ۸۶۷). رهیافت به ناسیونالیسم نه تنها در جهت اهداف و تمایلات ضد استثماری امپریالیست‌ها (آبراهامیان، ۱۳۹۰، ص ۸۰) بلکه



در جهت هویت‌یابی و اندیشه‌آگاهی ملی از طریق یادآوری دوران شکوه گذشته به عنوان نیروی محرک خودباوری و بازگشت به خویشستن مطرح بود. این مقوله، در آثار متفکران مختلف در دوره مشروطه با جلوه‌ها و سطوح متفاوتی ارائه شده است که همه در راستای ایجاد وفاداری و نشر نوعی وطن‌دوستی (اسلامی) اقوام مختلف ایران و تلاش برای نمایاندن مفاهیم مشترک آن‌ها در راستای بیدار کردن حس مشترک نژادی و هویتی مردم بود تا با یاری هم در سرنوشت خود مؤثر آیند. افراسیاب آزاد در نامه آزاد مفهوم «درد ملی» (ساکما، ۱۳۳۸/۳۳۹۹) را به کار می‌برد و از صاحبان قلم و متفکران می‌خواهد در مورد شرایط روز کشور، چندپارگی و کشاکش عجیب سال‌های پس از جنگ جهانی اول دردیابی کنند و شرایط برون‌رفت کشور از این موقعیت را پیشنهاد دهند. جالب آن که برای آن کسانی که مسئله به خوبی دریافته و راه‌حل ارائه دهند، جایزه تعیین کرد. در نظر وی، ملی‌گرایی هم خاصیت ترک مخاصمه‌های داخلی و پیوند محکم اقوام در برابر فتنه‌های داخلی و تفرقه‌آرای احزاب بود و هم می‌بایست برای جبران عقده فروخورده ایرانی در مقابل استعمار بیگانه در انحاء مختلف آن عرض اندام کند.

رهیافت همفکران آزاد و اندیشه‌نوگرایی ایشان نه تنها به موضوعات زیربنایی به موضوعات روبنا و حتی سلطنت مطلقه تمرکز کرده و به حکومت مشروط راضی بودند. افتراق جامعه در زمینه‌های مختلف باعث استمرار حضور حکومت ضعیف قاجاریه را به خصوص در عرصه بین‌المللی گردیده بود. در دوره حضور رضاخان سردار سپه و سپس در زمان نخست‌وزیری و پیامدهای شرایط داخلی و بین‌المللی، گرایش جریان‌های نیرومند را به وی بسیار کرد. زمینه‌سازی نویسندگان و متفکرانی چون آزاد در بین توده مردم، زمینه را برای سردار سپه آماده کرد. در حقیقت، وی و قدرتش را بدون آن که از خاندان حکومت‌گر باشد، مشروعیت می‌بخشیدند و قدرت وی را در راستای ناسیونالیسم اقتدارگرا تبلیغ می‌کردند. «عده‌ای ملی‌گرایی و وطن را در سرمایه و اجناس، برخی در جهان وطنی و برخی دیگر بر استقلال در مقابل اغیار می‌بینند از اینان سید جمال افغان(؟) و سیدجمال واعظ و ملک‌المکلمین و نصراله‌خان مشیرالدوله ... و بزرگتر از همه اینان رضاخان سردار سپه را می‌شناسند» (نامه آزاد، سال اول، شماره دوم، ص ۲). در طی سال‌هایی که رضاخان ابتدا سردار سپه و پس از آن نخست‌وزیر کشور بود، به تدریج نه با نیروی نظامی بلکه با اندیشه متفکران و نشر عقاید ناسیونالیستی متجدد در میان ملت و پذیرش آن از سوی آحاد مردم مشروعیت قانونی به خود گرفت (میرزایی و دیگران، ۱۳۹۹، صص ۱۳۳-۱۳۷).

ب) روشنفکری دینی:

افراسیاب آزاد، اندیشه‌های تجددخواهی را در تحول‌خواهی همگام با سنت در آرای خود به کار می‌برد و لزوماً به دنبال حذف همه سنن قدیمی نبود. اگرچه برای بیدارکردن دیدگان خفته،



بسیاری از افعال و برداشت‌های مردم در قبال سلطنت را نفی می‌کرد. همین همگرایی با برخی از انگاره‌های سنت و نوگرایی از سوی ایشان، دلیل حذف یا کم‌رنگ شدن برخی محورهای نوگرایی غربی از جمله سکولاریسم و برداشت ضدیت آن با دین بود. شاید بتوان گفت نوعی از نوگرایی معتدل و تقلیلی که همزمان با پذیرش انگاره جدید باستان‌ستایی، مذهب را هم پایگاه تحرک اجتماعی و همبستگی قومیت‌ها در شرایط خاص سیاسی و اجتماعی دوره پسامشروطه می‌دید. آزاد معتقد بود: «دولی که مذهب رسمی آن‌ها خداپرستی است و بخصوص با دول مسلمان در آسیا و افریقا و اروپا طرح دوستی ریخته و سازمانی تأسیس کنند که از افکار و اندیشه‌های علما و دانشمندان اقوام و ملل بهره‌مند شوند و حتی می‌بایست در پایتخت ایران کنگره بزرگ روحانیون بین‌المللی تاسیس شود و پیشنهاد می‌دهد اراضی قدیمی مساجد و اماکن میدان سنگلج تهران به حزب خدا سپرده شود تا به تأسیس اجتماعات مذهبی و روحانی و کنگره خدپرستان دنیا مبدل گردد و این مکان فرستنده اندیشه و افکار این مبلغین به همه نقاط دنیا باشد» (ساکما، ۹۹۹/۳۳۸۱۳؛ ساکما، ۹۹۹/۳۳۴۷۷).

آراء آزاد تا حدودی به اندیشه‌های ملک‌خان و مستشارالدوله نزدیک بود که آن‌ها نیز خواهان همپوشانی مشروطه با موازین اسلامی بودند و اینکه اصول مشروطه و لیبرالیسم را با موازین شرعی تلفیق کنند (یادگاری و دیگران، ۱۳۹۵، صص ۸-۱۰). البته این به معنای پذیرش «پروتستانیسم اسلامی» پیشنهادی فتحعلی آخوندزاده از سوی افراسیاب آزاد و همفکرانش نبود (یادگاری و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۱۰). پروتستانیسم در غرب با حمایت طبقه بورژوازی تکوین یافت. چیزی که در ایران تکوین نیافته و باعث می‌شد در خطابه‌های روشنفکرانی چون آزاد انعکاس ضعیفی داشته باشد. موضوع زمانی بغرنج می‌شود که آزاد در بیانیه‌ها و سخنرانی‌های کنگره حزب خدا، زمانی با شاه علیه علما و دین، زمانی با تأکید بر نقش علما علیه شاه و زمانی با کمک این دو در استمرار با گفتمان دستگاه حاکمه، علیه بیگانگان و استثمارکنندگان (ساکما، ۹۹۹/۳۳۸۱۳) بود. این ناهماهنگی تاکتیکی از وجوه مشخصه بسیاری متجددان عصر مشروطه و پهلوی بود.

قانون طلبی و آزادی:

بسیاری از مفاهیم نوگرایانه هم چون گرایش به نظم، احترام به عقاید افراد و احزاب، وطن‌دوستی، آزادی و... را آزاد و همفکرانش با امثال و مصادیق ساده‌سازی می‌کردند و برای جامعه زمان خود قابل فهم و در دسترس قرار می‌دادند. حتی در این راه تلاش می‌شد این مفاهیم را هم در دستگاه مذهبی و هم در بینش عقلایی توصیف کنند (نامه آزاد، ۱۳۰۳ ص ۲-۱). در این راه، همچنان که قبلاً ذکر شد، در محل نشریه و مؤسسه آزادی در بخش معاونت عمومی و حقوقی، سخنرانی‌های مستمری را در این زمینه داشتند. پیشه و کالت و آشنایی با حدود و ثغور قوانین غربی و اسلامی



می‌بایست در راه دانش‌افزایی توده و عموم مردم به عنوان دغدغه یک روشن فکر مطرح بود. یکی از مواردی که نشریه وی بسیار مورد پیگیری بود این که ریشه قانون اساسی مشروطه چون از کشورهای بلژیک و فرانسه بود و بسیاری از موارد مطروحه آن مربوط به همان سرزمین بود و وضع آن را در ایران نامناسب تلقی می‌کرد. تلاش می‌کرد با بازتفسیر مواد اصلی قانون مذکور با اصول عقلانی و نیازهای ایران هماهنگ گردند و متناسب با محیط کشور ارائه شوند. با توصیف قانون و امتیازات و الزامات آن و وضعیت دولت قانونی و دولت غیرقانونی سعی داشت امکان انتخاب الگوی بهتر و تغییر نگرش به وضع موجود را در همه ایجاد کند. در این راستا، بسیاری از مواد و شمول آن‌ها را برای عموم مردم به زبان ساده توصیف و تشریح می‌کرد (ساکما، ۱۳۸۱/۳۳۹۹). این ارتباطات رودرو با مردم باعث شده بود ساکنان طهران بی‌واسطه از شرایط مختلف گرانی‌ها، تخلف از قوانین را به نشریه اعلام کنند و این موضوعات مورد پیگیری قرار می‌گرفت (نامه آزاد، ۱۳۰۳، ص ۳).

حمایت از طبقه متوسط سنتی از سوی نشریه نامه آزاد به طور جدی پیگیری می‌شد. حمایت از بازاریان به عنوان منبع اصلی مالیات در شهرها و و تأکید بر نقش والای ایشان در نهضت مشروطه را می‌توان هم در تحلیل مطالب نشریه و هم در سخنرانی‌های ایشان ردیابی کرد. درخواست تهیه قوانین حمایتی از تولیدکنندگان و بازاریان داخلی مورد توجه و در تماس با نمایندگان مجلس بر این موضوع پافشاری می‌کرد از ایشان می‌خواست استفاده از منسوجات و مصنوعات داخلی در بیم مردم قانونی پیگیری گردد (نامه آزاد، ۱۳۰۳، ص ۲-۱). به واقع آزاد دریافت‌ه بود طبقه متوسط برای استمرار هر گونه نظام حکومتی نقشی بی‌بدیل دارد.

۲. ادبیات نمایشی:

ادبیات کهن ایران تاپیش از عصر نوحواهی و تجددطلبی تحت تأثیر گفتمان منظوم، نثر رسمی و تخصصی و منشآت مغلق و پیچیده و رسائل دیوانی بود. یکی از اشکال مهم ادبیات داستانی که در فرهنگ و تمدن ایرانی سابقه‌ای بلند داشته، ولی در تاریخ معاصر ایران و در شکل نوین خود، از فرهنگ و ادبیات عهد تجدد و نوحواهی جامعه اروپا تأثیرات فراوانی پذیرفت، نمایشنامه است. ادبیات بعد از مشروطیت تحت تأثیر افق‌های جدید و تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جدید دامنه مخاطبینش را گسترش داد و به بستر اجتماعی جامعه و به میان مردم کوچه و بازار درآمد (شبستری و دیزجی، ۱۳۸۹، ص ۲۵۸).

مطالعه حاضر در ابتدا هدفی برای پرداختن به نمایشنامه‌های آزاد را نداشت؛ چرا که ابتدای این پژوهش، کاوش در آرای سیاسی و نهاد اندیشه‌گی وی است و پرداختن به بُعد ادبی و نویسندگی آزاد در قالب نمایشنامه‌نویسی، صرفاً برای معرفی برخی آثار آزاد و بازتاب و چرخش در



اندیشه وی در برهه‌ای زندگیش است. از همین دست، اشعار وی می‌باشد که عموماً سیاه قلم‌های هستند که از سر تفتن و ذوق ادبی در نوشته‌ها و یادداشت‌های وی پیدا شده است و بیشتر بازتاب وقایع ملی و فراملی کشور در قالب نظم‌اند. اگرچه نمی‌توان ذوق شعری وی را کتمان کرد، ولی نمی‌توان در باب ارزش ادبی آن‌ها خیلی اغراق کرد. بسیاری از این اشعار در جایگاه تصدیق گفته‌های یک ژورنالیست در روزنامه‌های وی مورد استفاده بوده است.

اندیشه ترقی که فکر آزادی به همراه داشت، مستلزم گذراندن آن از صافی شعر و ادبیات و نمایش بود. نمایشنامه‌ها و ادبیات نمایشی افراسیاب آزاد عموماً رئالیستی از انحرافات اجتماعی، بدون تخریب و تحقیر گذشتگان بود. آزاد، به مانند فتحعلی آخوندزاده، سلف آزادی‌خواه وی در این حوزه، واقع‌بینانه معتقد بود زمانه تغییر یافته و ادبیات نیز متأثر از این تغییر است و نویسندگان باید آثار هنری تازه در قالب تازه بیافرینند که به مسایل روزگار خود بپردازد و بیدارکننده اذهان و آینه نیک و بد، زشت و زیبایی اجتماع خود باشد (یادگاری و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۵). برخی از نمایشنامه‌های آزاد به طور کامل یا پیوسته با آثار دیگر آزاد در گنجینه اسناد و آرشیو ملی ایران موجود هستند. نمایشنامه‌های «جرأت و رشادت» (ساکما، ۹۹۹/۳۲۹۱۵)، «اوضاع قضایی یا خرابی عدلیه سابق» (ساکما، ۹۹۹/۳۲۸۵۳)، «گل و بلبل» (ساکما، ۹۹۹/۳۲۹۰۹)، «اشتباه در خواستگاری» (ساکما، ۹۹۹/۳۲۸۵۳) از جمله نمایشنامه‌های اجتماعی وی هستند. حدود سی نمایشنامه از وی شناخته شده است که تمام یا قسمتی از متن آن‌ها در دسترس قرار دارد. معارضه با فرهنگ منحط فئودالی و فساد اخلاقی، کج‌فهمی عوام ... در نمایشنامه‌ها بارز بود. به‌واقع آزاد به عنوان یک خطیب واقع‌نگر و نه یک مفسر آرمان‌گرا، به نوعی عدالت اجتماعی و سوسیالیسم معتقد بود. آزاد از آغازگران نحله نمایش اخلاقی بود که نمایشنامه‌های بسیاری نوشت و بیشتر آن‌ها در معرض نمایش گذاشته شده‌اند (ملک‌پور، ۱۳۳۶، ص ۲۲۶-۲۲۵). در حقیقت، آزادی‌خواهان به تأثیر اجتماعی نمایش و تئاتر یقین داشتند و آن را بهترین وسیله تربیت و آشنا کردن جامعه به عیوب قدیم و محاسن جدید می‌دانستند (یاسمی، ۱۳۱۶، ص ۱۲۷).

در دوره نخست‌وزیری سردار سپه و در ادامه دوره پهلوی اول، اعمال سانسور و کنترل شدید حکومتی بر تماشاخانه‌ها، نمایشنامه‌های سیاسی و اجتماعی و انتقادی کم شد و جای خود را به نمایش‌نامه‌های اخلاقی داد. «سازمان پرورش افکار» در ترویج این‌گونه نمایش و جلوگیری از نمایش‌های انتقادی نقش عمده داشت (مددپور، ۱۳۷۳، ص ۲۹۵) پس از شکست مشروطه‌خواهی و به‌واقع شکست دموکراسی در ایران و روی کار آمدن رضاخان، داستان‌ها و ادبیات نمایشی به مضرات الکل و تریاک، قماربازی و ... پرداختند. به‌تدریج حکومت رضاشاه که شکل ضدمذهبی به خود گرفت، با مضامین اجتماعی و مذهبی هم مخالفت می‌شد. فضای نمایش‌نامه‌ها و همی شده و با زندگی واقعی مردم کمتر در ارتباط بود و از این نظر می‌توان جدایی جهان نمایشی



و دنیای واقعی را به تدریج در ایران مشاهده کرد که در مراحل بعد در سینمای ایران نیز ظهور پیدا کرد (مددپور، ۱۳۷۳، ص ۲۹۶). نمایشنامه‌های اخلاقی که گاه به مراتب از نمایشنامه‌های تاریخی ناسیونالیسم تبلیغی رضاشاه، نسبت به حقیقت، دورتر می‌شد. به واقع، اگر نویسندگانی از جمله آزاد، قبل از به تخت نشستن رضاخان، وی را ملی‌گرا و نجات‌بخش می‌شناختند و تبلیغش می‌کردند، با روی کار آمدن و آشکارشدن استبداد رأی وی، باعث صوری شدن بسیاری از محمل‌ها و نهادهای قدرت مردمی گردید، حتی نمایشنامه‌ها و داستان‌ها رنگ استبداد به خود گرفت. افراسیاب آزاد، خطیبی که در دوره مشروطه زبان آتشین آزادی‌خواهان بود، در دوره پهلوی اول به نمایش‌نامه‌نویس سیاست‌گریز مبدل گردید.

یکی از نمایشنامه‌های افراسیاب آزاد به نام «احساسات جوانان ایرانی» (ساکما، ۹۹۹/۳۲۸۸۹) مقدمه‌پیدایی کم‌دی‌هایی که مضمون آن‌ها فرنگی‌مآبی و غرب‌زدگی بود، گردید. در این سبک چند اثر قابل توجه به وجود آمد که یکی از آن‌ها «جعفرخان از فرنگ آمده» اثر حسن مقدم را می‌توان نام برد (مددپور، ۱۳۷۳، ص ۲۹۶).

۳. سبک نوشتاری و ادبیات نشریات آزاد:

آشنایی ایرانیان با مفاهیم نوین در عرصه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نظیر آزادی‌خواهی، قانون، مشروطه و مشروطه‌طلبی، ادبیات و به ویژه نثر پارسی را به شدت تحت تأثیر قرارداد، گرایش به ساده‌نویسی و نزدیک شدن ادبیات به نوشتارهای محاوره‌ای و گفتاری که زبان توده و طبقات فرودست اجتماعی بوده در اشکال مختلف با مضامین جدید عصری نو در ادبیات معاصر ایران بشمار می‌رود که با جریان تحولات مشروطه و قانون‌خواهی پیوند ناگسستنی ایجاد نمود (صلاح و دیگران، ۱۳۹۸، صص ۱۹۹-۱۹۸). از اینرو، به‌عنوان ادبیات عصر تجددخواهی و مشروطه خوانده شد. ادبیات مشروطه با به‌کارگیری اصطلاحات و لغات عامیانه و زبان گفتاری مورد توجه مردم قرار گرفت. مطبوعات این دوره از تاریخ ایران به‌جای آنکه مانند ادبیات منشآت‌نویسی گذشته و راز و نیاز با قلم خود، دچار تحول شگرفی شد و با نثری ساده‌تر و بی‌پیرایه‌تر انتشار می‌یافت و از همین رو عادت به روزنامه‌خوانی و فراوانی تعداد روزنامه‌خوانان بیشتر شد. گسرنش فعالیت روزنامه‌نگاری و تحول در سبک و محتوای مطبوعات و البته اندیشه آن به افشار کم‌سواد و حتی بی‌سواد کمک کرد که با حقوق فردی و اجتماعی خود آشنا شوند (شبستری و دبیزجی، ۱۳۸۹، ص ۲۵۸). از اینرو بیره نیست که در دوره نهضت مشروطه و پس از آن پایه‌پای «نهضت آزادی‌خواهی»، «نهضت ساده‌نویسی» رواج یافت و در انتشار و پرورش معانی نوگرایانه و متجدد نقش مهمی ایفا کرد. نشریاتی چون نامه آزاد یکی از دغدغه‌های خود را همین ارتباط با توده‌های مختلف و تلاش در پرورش این اندیشه‌ها در بین مردم بودند که نور امید و تحول را از وضعیت موجود زمانه در



دیدگان و دل آن‌ها روشن کنند.

تحول در سبک نثر و محتوا، باعث ایجاد زمینه شکل‌دادن به عقاید عمومی و بارور کردن آن‌ها برای به نتیجه رساندن در زمینه‌ای خاص گردید. تحلیل محتوای مطبوعاتی چون نامه آزاد یا دیگر نشریات نشان‌دهنده اندیشه نوگرایان در آن‌ها و توصیف و تبیین مفاهیمی چون وطن‌پرستی، ترقی، هویت، دانش، اسلام، شیعه، آزادی، مشروطیت، قانون و اتحاد بودند و درمقابل به نفی و سرزنش مفاهیمی چون بدبختی، فقر، عقب‌افتادگی، استبداد، وطن‌فروشی، فساد، تهاجم، تفرقه و دموکرات‌ها می‌پرداخت (محسنیان، ۱۳۷۵، ص ۴۹۵).

نتیجه‌گیری:

گفتمان پسامشروطیت به خصوص زمانی که تقابل فکری نمایندگان و اندیشمندان به‌روز پیدا کرد، آمیزه‌ای ناهمخوان از چند خرده‌گفتمان بود که نه بر پایه علایق همسان بلکه براساس داشتن دشمنی یکسان گردآمده بودند. دشمن و دیگر اصلی ایشان حکومت قاجاره و مؤلفه‌های قدرت بود. پس از شکست‌های اولیه مشروطه‌خواهان و فشارهای خارجی گفتمان مشروطیت، بسیاری از اندیشه‌های متجددانه خود را ناممکن و حتی در مقابل گفتمان اولیه قرار گرفت که یکی از نتایج آن روی کار آمدن رضاخان سردار سپه بود. برخی انگاره‌های نوگرایانه در آرای افراسیاب آزاد و همفکرانش به اندیشه‌ها و انگاره‌های دیگر استحاله پیدا کردند. در زبان متفکرین قلم به دست این انگاره‌ها به عنوان عناصر جدید تجدد مورد تبلیغ و نشر قرار گرفت. در حقیقت، بسیاری از این عناصر توصیف و تئوریزه کردن شرایط موجود و ناکامی عناصر اولیه بود.

افراسیاب آزاد، خطیب، آزادی‌خواه و تحول‌خواه عصر مشروطه که در ادامه نویسنده، وکیل و نمایشنامه‌نویس ژانر سیاسی و اجتماعی گردید. با تحلیل محتوای آثار و نوشتجات برجای مانده و در دسترس این مطالعه می‌توان دریافت که گفتمان مورد استفاده آزاد و همفکرانش، همان گفتمان پس از سقوط رضاشاه پهلوی بود. نقد محدود برخی اعمال شاه ماضی، توصیف و ستایش شاه جوان و تقرب به علمای درجه اول مذهبی از جمله آیت‌الله بروجردی، ضدیت با دموکرات‌ها و در ادامه ضدیت با شوروی.

منابع:

استوار، مجید. (۱۳۹۰). «نقش روشنفکران ایرانی در همسوسازی ایران باستان و تجدد در عصر رضاشاه». *رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*. ش ۲۷. پاییز. صص ۱۱۹-۱۵۶.
اوحدی، پروین دخت و حاجی رجبعلی، کاظم. (۱۳۹۴). «بسترسازی گفتمانی در سیاست فرهنگی پهلوی اول» *فصلنامه سیاست*، دوره ۴۵. ش ۴. زمستان. صص ۸۵۹-۸۷۶.



- آبراهامیان، یرواند. (۱۳۹۰). *ایران بین دو انقلاب*. ترجمه احمد گلمحمدی، تهران: نی. آجودانی، ماشاالله. (۱۳۸۲). *مشروطه ایرانی*، تهران: اختران.
- آدمیت، فریدون. (۱۳۵۷). *فکر اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران*. تهران: پیام.
- آشوری، داریوش. (۱۳۵۴). *فرهنگ سیاسی*، تهران: چاپخانه کتیبه.
- جبارلوی شبستری، بهرام و نوزاددیزجی، نازیلا. (۱۳۸۹). «مطبوعات و روزنامه‌نگاری در دوران انقلاب مشروطه و اثر آن بر شیوه نگارش». *اطلاعات سیاسی اقتصادی*. ش ۲۷۸-۲۷۷. صص ۲۵۲-۲۶۱.
- جلایی پور، حمیدرضا. (۱۳۸۵). «ایران جامعه‌ای مدرن اما بدقواره». *بازتاب اندیشه* - ش ۸۱. رضایی پناه، امیر و ایزدی، رجب. (۱۳۹۲). «ریشه‌یابی گفتمان پهلوی یکم در آرای متجددین عصر مشروطه». *جستارهای تاریخی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، س چهارم، ش دوم، صص ۳۵-۶۸.
- رهنمایی، احمد. (۱۳۸۰). *غرب‌شناسی*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی. سرپرست سادات، سیدابراهیم. (۱۳۹۳). «تطورات فهم روشنفکران ایرانی از سنت بحران، سنت و خودآگاهی روشنفکری». *پژوهش‌های راهبردی سیاست*، س سوم، ش ۱۱. زمستان. صص ۳۱-۵۶.
- صلاح، مهدی و دیگران. (۱۳۹۸). «تجددخواهی در اندیشه محمدباقر میرزا خسروی کرمانشاهی. تجدد، ادب و سیاست»، پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام. ش ۲۴. بهار و تابستان. صص ۱۷۹-۲۱۰.
- ضمیران، عبادی. (۱۳۷۵). *سنت و تجدد در حقوق ایران*. کتابخانه گنج دانش. طباطبایی سید جواد. (۱۳۸۵). «تجددی دیگر». *بازتاب اندیشه*، ش ۴۰. فرهنگ فارسی عمید، تهران ۱۳۳۲.
- قنبری، آیت. (۱۳۷۹). «ایران و موج اول مدرنیته». *علوم سیاسی*، س سوم، ش دوازدهم. قیصری، نوراله. (۱۳۸۸). *نخبگان و تحول فرهنگ سیاسی در ایران دوره قاجار*. تهران: نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- محسنیان‌راد، مهدی. (۱۳۷۵). *انقلاب، مطبوعات و ارزش‌ها*. تهران: نشر سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- مددپور، محمد. (۱۳۷۳). *تجدد و دین‌زدایی*. تهران: نشر دانشگاه شاهد.
- مک‌فارلند، استیفن. (۱۳۸۳). «کالبدشکافی یک تجمع سیاسی در ایران: بلوای نان در آذر ۱۳۲۱ ش. در تهران»، *تاریخ معاصر*. ش ۳۱، صص ۸۲-۱۰۱.
- ملک‌پور، جمشید. (۱۳۶۳). *ادبیات نمایی در ایران*. تهران: نشر توس.



میرزایی، بیژن و دیگران. (۱۳۹۹). «تحول هویت روشنفکری و تاثیر آن در سرکارامدن رضاخان». *توسعه اجتماعی*. دوره ۱۴. ش ۴. صص ۱۱۱-۱۴۶.

یادگاری، سمانه و دیگران. (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی آثار سیاسی-ادبی روشنفکران مشروطه با عصر پهلوی اول (مطالعه موردی کسروی و آخوندزاده)». *کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی*.

یاسمی، رشید. (۱۳۱۶). *ادبیات معاصر*. تهران: بی‌جا.

سامانه نشریات کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران (سنا)، *نامه آزاد*، ۱۳۰۳ ش ۱-۴.

سامانه نشریات کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران (سنا)، *نامه آزاد*، سال ۱۳۲۶، شماره ویژه.

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (ساکما)، شماره بازبایی ۹۹۹/۳۲۹۱۵. ۹۹۹/۳۲۸۵۳.

۹۹۹/۳۲۹۱۵. ۹۹۹/۳۲۵۷۱. ۹۹۹/۳۲۳۴۷. ۹۹۹/۳۲۶۳۴. ۹۹۹/۳۲۹۰۹. ۹۹۹/۳۲۸۱۹.

۹۹۹/۳۲۶۳۹. ۹۹۹/۳۳۴۷۷. ۹۹۹/۳۳۸۱۳. ۹۹۹/۳۲۹۱۵. ۹۹۹/۳۲۲۷۳.

سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی (ساکماق)، شماره سند: ۱۳۰۹۴۲.

